

در باره ی پنج نمایش نامه

از: گوهر مراد

«پنج نمایش نامه» از انقلاب مشروطیت ظاهراً وصف سال های ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ در تبریز است. یا بهتر است بگوییم برداشتی خاص است از وقایع و مردم این سال ها.

چهار تای اول مربوط است به سال ۱۲۹۰

سال بد

سال باد

سال اشک

شال شک

سال روزهای دراز و استقامت های کم

سالی که غرور گدایی کرد

سال پست

سال درد

سال عزا.

احمد کسروی آن را «سال پُر اونده» می خواند و می نویسد که سپهدار رییس الوزرا و همراهان او از مجلس مشروطه اختیار گرفتند که کسانی را که مایه ی نایمنی در تهران بودند به کیفر برسانند. و بدین سان به کینه جویی از یار محمدخان و حیدر عمو و غلو و دیگر آزادی خواهان برخاستند. ستارخان را در ۱۲۸۹ به نام یاغی و آشوب گر تیر زده و خانه نشین کرده بودند.

۱۲۹۰ در تبریز پُر اندوه تر و سخت تر می گذرد:

سالدات های روس تزاری از یک سو و فراش های صمدخان شجاع الدوله (که گوهرمراد به حق «گرگ» می نامدشان) از دیگر سو، دست به آزار و شکنجه ی مجاهدان و آزادی خواهان تبریز می زنند «گرگ ها» برای دست گیری «از پا نیفتاده ها» سوراخ سنبه ی «بام ها و زیر بام ها» را می گردند و سنگرها و «خانه ها را خراب» و غارت می کنند.

در عاشورای ۱۲۹۰ ثقه الاسلام را با تتی چند از جمله پسران علی مسیو آزادی خواه مشهور دار می زنند و حسن پسر علی مسیو زیر چوبه ی دار فریاد می زند: زنده باد ایران، زنده باد مشروطه!

در این سال انجمن ایالتی تبریز را با خاک یکسان می کنند که هنوز خرابه هایش در تبریز داغ به دل میهن پرستان می گذارد.

در این سال جلادهای دولتی و روسی از یک طرف ویرانی می کنند و می کشند و از طرف دیگر به مردم تلقین می کنند که همه چیز تمام شد، دیگر کسی و پناه گاهی باقی نمانده. آب ها از آسیاب ها افتاد و آشوب و یاغی گری رخت بر بست و امنیت برقرار شد.

اما حقیقت غیر از این است. مجاهدان به صورت های گوناگون به مبارزه ادامه می دهند و با «گرگ ها» دست و پنجه نرم می کنند.

در «بام ها و زیر بام ها» که مربوط به ۱۲۸۹ است هنوز مردم زیر بام ها را دارند و جنگ های کوچکی به شدت ادامه دارد.

در چهار نمایش نامه ی دیگر که مربوط به ۱۲۹۰ است گرگ ها به زیر بام ها هم راه پیدا کرده اند و ناچار مبارزه ی مردم صورت دیگری یافته است: جنگ و گریز و ایجاد ترس و وحشت و نفاق میان گرگ ها.

در «گرگ ها» یک مجاهد ناشناس فراش ها را سر یک مشت پول به جان هم دیگر می اندازد و پستی شان را آشکار می کند. در «خانه ها را خراب کنید» سخن از

زبردستی و نقشه های پارتیزانی مجاهدان است که در تاریخ جنگ های تبریز کارهای زیادی از پیش برده.

«گوهرمراد» در پنج نمایش نامه اش با اندوه به گذشته می نگرد. از این نظر تا حدی شبیه اغلب شاعران معاصر می شود. اما یک فرق اساسی با آن ها دارد و همین یک فرق او را از شعر پر ملال و گردآلود و خمودانگیز و پر مکرر آن شاعران فرسخ ها دور می کند.

نگریستن پر اندوه گوهرمراد به گذشته عنصرهای جدانشدنی دیگری هم به همراه دارد مثل خشمی مبارزه جوی و امیدی سرسخت و واقع بین (نه خوشبینی می گویم، مثل خوشبینی الکی و پا در هوای آن شاعر عزیز که خوشبینی اش چیزی است مثل ایمان به عدل کسری انوشیروان).

گوهرمراد هر لحظه در پی کشف و نمودن پستی انسان هایی است که «نان شان به قیمت ریختن خون دیگران» به دست می آید. ساغ اولسون!

صاد.

مهد آزادی آدینه

شهریور ۱۳۴۵

منبع: انتشارات روزبهان سال ۱۳۴۲ مجموعه مقاله های صمد بهرنگی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴